

مبانی قرآنی نظریه افول سلطه آمریکا در دیدگاه حضرت آیه‌الله خامنه‌ای* (مدظله‌العالی)

- محمدتقی احمدی پرتو^۱
□ سجاد کوچکی بادلانی^۲

چکیده

بیان قوانین مشترک میان جوامع انسانی در قالب سنت‌های الهی، از ویژگی‌های منحصر به فرد قرآن است. در این تحقیق با روشی توصیفی تحلیلی، ضمن بررسی تعدادی از آیات مرتبط با سنت‌های الهی و عوامل افول جوامع، به بررسی مبانی قرآنی نظریه افول هژمونی آمریکا در بیان رهبری پرداخته شده و با بررسی واژه هژمونی و انطباق آن با آمریکا و ذکر نظرات تعدادی از کارشناسان، به نشانه‌های افول هژمونی آمریکا اشاره شده است. نکته اصلی این تحقیق، توجه رهبری به سنت‌های الهی در تحلیل افول هژمونی آمریکاست. گرچه کارشناسان صرفاً با تکیه بر آمار و ارقام، به تحلیل گذشته و پیش‌بینی احتمالی آینده می‌پردازند، اما رهبر معظم انقلاب ضمن توجه به آمارها و واقعیت‌های بیرونی، با استفاده از سنت‌های حتمی قرآن و توجه به عوامل افول جوامع - همچون فساد اقتصادی،

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌المصطفی‌العالمیه (نویسنده مسئول) (partoahmadi@mailfa.com).
۲. استادیار دانشگاه پدافند ملی (s-badelani@yahoo.com).

گسترش فساد جنسی، طغیان و استکبار، ظلم سیستماتیک، کفران نعمت- با انطباق این عوامل بر جریانات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کنونی آمریکا، به این نتیجه و پیش‌بینی قطعی رسیده است که افول هژمونی آمریکا، بخشی از سنی است که قبلاً درباره امت‌ها و اقوام قدرتمند پیشین نیز اجرا و محقق شده است.

واژگان کلیدی: هژمونی، افول آمریکا، سنت‌های تاریخی، مقام معظم رهبری.

مقدمه

دیوید هیوم^۱ (۱۷۱۱-۱۷۷۶ م.) بر این باور بود که امور اجتماعی قانونمند نبوده و نمی‌توان از قوانین اجتماعی دم زد. برخی نیز مانند اسپنگلر^۲ (۱۸۸۰-۱۹۳۶ م.) که امور اجتماعی را قانونمند دانسته است، برای هر جامعه‌ای قوانین خاص خود را متصور شده و قائل‌اند که هیچ جامعه‌ای با جامعه دیگر مشابهت ندارد. بنا بر نظری دیگر که طرفداران بسیاری نیز دارد، دوره‌های تاریخی یک جامعه شبیه به سنین مختلف انسان بوده و اوضاع و احوال مشابه، تنها در داخل یک دوره تاریخی خاص پیدا می‌شود. بنابراین فقط جوامع واقع در یک دوره تاریخی، مشمول قوانین اجتماعی مشترک و واحدند. چهارمین نظریه در این رابطه عبارت است از اینکه قوانین اجتماعی بی‌شماری هستند که در همه جامعه‌ها -چه در یک دوره تاریخی باشند یا نباشند- به یک سان صادق‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۵۰).

در بررسی اتفاقات و جریانات بزرگ جوامع انسانی، بسیاری از حوادثی را که غیرمنتظره می‌نامیم، قابل پیش‌بینی هستند. البته این امر در صورتی محقق می‌شود که از طریق به دست آوردن و فهم قانونمندی جوامع و کشف قوانین مشترک بین آن‌ها، قدرت پیش‌بینی برایمان حاصل شود. در این صورت با تطبیق آن قوانین ثابت بر جریانات موجود در جوامع، می‌توانیم آینده را تا حد زیادی پیش‌بینی کنیم و در انتظار حوادثی باشیم که دیگران از آن غافل‌اند و یا آن را غیرمنتظره می‌پندارند. قانونمندی جامعه و تاریخ، یکی از مسائلی است که آیات و روایات به اشکال مختلف از آن سخن گفته‌اند.

1. David Hume.
2. Oswald Spengler.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیانی فرمود:

«أعرف الناس بالزمان من لم يتعجب من أحداثه» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۲: ۲۸۰)؛ آگاه‌ترین مردم از وضع زمان، کسی است که از اتفاقات‌های زمان تعجب نمی‌کند.

طبق این کلام گهربار، کسی که معرفت زیادی به زمانه دارد و قواعد آن را می‌شناسد، در رخدادها غافلگیر نمی‌شود و آن‌ها را به درستی پیش‌بینی می‌کند. رفت و آمد تمدن‌ها و قدرت‌ها از جریانات مستمر تاریخ است؛ در طول تاریخ، تمدن‌های بسیاری متولد شده، رشد یافته و نهایتاً به سراشی و انحطاط رسیده‌اند. قرآن کریم در آیات متعددی از افول و سقوط نظام‌های بشری سخن می‌گوید و تغییر و تحول و طلوع و غروب امت‌ها را یکی از سنت‌های مهم و تخلف‌ناپذیر الهی می‌شمارد. قرآن بر این نکته تأکید دارد که امکانات، اقتدار و قدرت تا پایان حرکت تاریخ در تسلط یک ملت باقی نمی‌ماند؛ بلکه بنا بر عواملی، این اقتدار و انحطاط و عزت و ذلت تا آخرین لحظه جریان تاریخ در میان اقوام و ملل گوناگون عالم دست به دست می‌گردد: ﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَّوِلُهَا يَبَيِّنُ التَّائِبِينَ...﴾ (آل عمران / ۱۴۰)؛ و ما این روزهای شکست و پیروزی را در میان مردمان می‌گردانیم....

مسئله ظهور و افول قدرت‌ها، از طرفی بحثی مربوط به جامعه‌شناسی، و از سویی مسئله‌ای تاریخی، و از جانبی مسئله‌ای مربوط به آینده‌پژوهی است. پیش‌بینی آینده جوامع از اولویت‌ها و دلمشغولی‌های همیشگی سیاستمداران و مراکز پژوهشی و اندیشکده‌های راهبردی در کشورها بوده است.

شناخت جریانات تاریخی و قوانین ثابت حاکم در جوامع انسانی، کمک فراوانی به شناخت بهتر و برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف آینده جامعه می‌کند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در اهمیت و ضرورت مراجعه به تاریخ گذشتگان و فهم فراز و نشیب زندگی آنان در فرمایشی به فرزند خود امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود:

«أَيُّ بَنِي إِيَّايَ وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عُمَرْتُ عُمَرُ مَنْ كَانَ قَبْلِي، فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَفَكَرْتُ فِي أَحْبَابِهِمْ وَسَرْتُ فِي آثَارِهِمْ حَتَّى عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ بَلْ كَأَنِّي بِمَا أَتَيْتُ إِلَيْهِ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمَرْتُ مَعَ أَوْلِيهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَدْرِهِ وَنَفَعَهُ مِنْ ضَرِّهِ...» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۷۰)؛ پسرم درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام،

اما در کردار آن‌ها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویا یکی از آنان شده‌ام؛ بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام، پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم و زندگانی سودمند آنان را با دوران زیانبارش شناسایی کردم....

در این مقاله که با روشی توصیفی تحلیلی به بررسی تعدادی از آیات مربوط به سنت‌های الهی و عوامل افول قدرت‌ها در قرآن پرداخته خواهد شد، با ذکر نمونه‌هایی از بیانات مقام معظم رهبری پیرامون افول ابرقدرتی آمریکا، به شواهد و نشانه‌هایی از این افول در منظر تعدادی از کارشناسان اشاره خواهد شد. پرسش اصلی در این تحقیق، بررسی مبانی قرآنی نظریه افول هژمونی آمریکا در بیان رهبری می‌باشد. به عبارتی، به دنبال جواب این پرسش هستیم که رهبر معظم انقلاب بر چه اساسی، نظریه افول ابرقدرتی آمریکا را مطرح نموده است؟

پیشینه

در میان عالمان مسلمان شاید نخستین فردی که به صراحت از سنن و قوانین حاکم بر جامعه نام برده است، ابن خلدون باشد که در مقدمه معروفش به تفصیل در این باره بحث نموده است. وی جامعه را موضوع یک علم مستقل قرار داده و «عصیت» را محور تبیین حرکت‌های تاریخ و راز صعود و سقوط تمدن‌ها معرفی کرده و انحطاط جوامع را ناشی از چند عامل عمده دانسته است. این عوامل عبارت‌اند از: ۱- نازپروردگی و تن‌آسایی عوامل حکومتی و برجستگان سیاسی و نظامی جامعه؛ ۲- از دست رفتن قدرت دفاعی جامعه بر اثر سست شدن عصیبت؛ ۳- از بین رفتن ارزش‌های اخلاقی و فضایل نیکو در جامعه؛ ۴- سست شدن اعتقادات دینی و تعالیم مذهبی؛ ۵- شیوع ظلم و ستمگری در جامعه؛ ۶- سلطان تاجر یا سلطان خسیس (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۶۷-۱۶۹).

در میان دانشمندان معاصر نیز عده‌ای به این بحث پرداخته‌اند؛ از جمله علامه طباطبایی در تفسیر گرانسنگ *المیزان*، شهید مطهری در کتاب *جامعه و تاریخ*، شهید علامه سیدمحمدباقر صدر در *سنت‌های تاریخ در قرآن*، و علامه جوادی آملی در *جامعه در قرآن* در ضمن مباحث خود به عوامل ظهور و سقوط قدرت‌ها پرداخته‌اند.

در میان نظریه پردازان غربی نیز این بحث مطرح بوده است. از جمله عوامل انحطاط تمدن‌ها را از دیدگاه توین‌بی^۱ می‌توان بدین شکل دسته‌بندی نمود: ۱- از دست رفتن قوهٔ خلاقیت اقلیت خلاق جامعه که بعد از آغاز زوال، خاصیت نوآوری خود را از دست داده‌اند؛ ۲- واکنش اکثریت افراد جامعه علیه اقلیت حاکم و عدم همکاری با ایشان؛ ۳- فقدان وحدت و همبستگی اجتماعی در مجموع پیکر جامعه. ویل دورانت نیز در باب سیر تاریخی تمدن‌ها بر این باور بود که هر تمدنی از ارزش‌هایی آغاز می‌شود؛ ارزش‌هایی هدفمند و متعالی که پس از مدتی، زمینه ظهور دانش و فنون را پدیدار می‌سازند. در مرحله بعد، اصل همکاری و تعاون در جامعه باید نهادینه شود تا گروهی هم‌نظر، بر اساس آن و با تکیه بر اخلاقیات بتوانند شالوده تمدن را پی‌ریزی کنند. با رشد دانش، مردم به جای توحید و پرستش مبادی معنوی، به ستایش علوم و عقل می‌پردازند و از این هنگام، جنگ میان ارزش و دانش آغاز می‌شود و در نتیجه، موجب افول انگیزه‌های اولیه که انگیزه‌های ارزشی است، خواهد شد. بنابراین نیروی محرک جوامع کند شده، به تدریج متوقف می‌گردد و در نتیجه، دوران انحطاط تمدن نمایان می‌شود. به عبارت دیگر، جامعه‌ای که بر اساس ارزش شکل گرفته است، با ظهور ضد ارزش دچار از هم گسیختگی می‌شود و از میان می‌رود. بر خلاف ابن خلدون که معتقد به گونه‌ای دور تمدنی است، ویل دورانت جنگ میان علم و دین یا دانش و ارزش را موجب فرسایش تدریجی تمدن‌ها می‌داند (همان: ۱۶۹-۱۷۱).

به صورت خاص‌تر، در موضوع افول و سقوط هژمونی آمریکا نیز کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است. طبق ادعای یکی از محققان، حدود ۱۴۰۰ کتاب در این زمینه نگاشته شده است (عباسی، ۱۳۹۸) که به چند نمونه از کتاب‌ها اشاره می‌شود:

۱- *زوال هژمونی ایالات متحده در نیمکره غربی* (اندرواکیف، ۱۴۰۰)؛ ۲- *قدرت در نظم جهانی در حال تغییر (ایالات متحده، روسیه و چین)* (اسمیت، ۱۳۹۴)؛ ۳- *آمریکا دنیا را به کدام سو می‌برد؟* (بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب‌شناسی، ۱۳۹۷)؛ ۴- *در سرایشی به سوی گومورا لیبرالیسم مدرن و افول آمریکا* (بورک، ۱۳۸۹)؛ ۵- *آمریکای زمینگیر (چگونه عظمت را به آمریکا*

بازگردانیم) (ترامپ، ۱۳۹۷)؛ ۶- پس از امپراتوری (روایت زوال سیستم آمریکایی) (تود، ۱۳۹۵)؛
۷- در سایه قرن آمریکایی (مک‌کوی، ۱۴۰۰).

تعداد بسیار زیادی از مقالات و نوشته‌های تحلیلی در روزنامه‌ها و مجلات تخصصی و کنفرانس‌ها نیز در این زمینه وجود دارد. با وجود این، بررسی مبانی قرآنی این موضوع، یعنی نظریه سقوط هژمونی آمریکا که توسط رهبری بارها تکرار شده، تحقیقی است که جای خالی آن احساس می‌شود و نیاز به بررسی جدی دارد. در این پژوهش با ذکر مواردی از اظهارنظرهای کارشناسان در مورد افول هژمونی غرب، به دنبال مبانی قرآنی نظریه رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان نظریه‌پردازی قرآنی هستیم تا روشن شود که ایشان با تکیه بر چه اصول و معارف قرآنی، افول هژمونی آمریکا را به صورت قطعی مطرح می‌فرماید.

۱. قاعده‌مندی افول قدرت‌ها در قالب سنت‌های تاریخی در قرآن

با نظری اجمالی به قرآن کریم متوجه می‌شویم که این کتاب وحیانی، قائل به یک سلسله قوانین تکوینی و تشریحی مشترک بین همه جوامع است. می‌توان گفت که نقل داستان جوامع و اقوام گذشته و لزوم عبرت‌گیری از آن‌ها (ر.ک: یوسف / ۱۱۱) و دستور به مسافرت و مشاهده آثار برجای مانده از تمدن‌های اقوام پیشین (ر.ک: نحل / ۳۶؛ روم / ۹؛ فاطر / ۴۴؛ ...)، نشانگر وجوه اشتراک تکوینی بین گذشتگان و آیندگان می‌باشد. یکی از ویژگی‌های جامعه‌شناسی قرآن این است که قرآن مرگ و حیات را علاوه بر انسان‌ها، برای امت‌ها و جوامع نیز به تصویر کشیده و به آن اعتقاد دارد:

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾ (اعراف / ۳۴)؛ برای هر قوم و جمعیتی، زمان و سرآمد معینی است و هنگامی که سرآمد آن‌ها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنند و نه بر آن پیشی می‌گیرند.

در این آیه، خداوند به یکی از قوانین آفرینش یعنی فنا و نیستی ملت‌ها، اشاره می‌فرماید. این آیه به وضوح بیان می‌کند که قانون مرگ و حیات مخصوص افراد انسان نیست، بلکه اقوام و جمعیت‌ها و جامعه‌ها را نیز در بر می‌گیرد؛ با این تفاوت که مرگ ملت‌ها غالباً بر اثر انحراف از مسیر حق و عدالت و روی آوردن به ظلم و ستم و غرق شدن در

دریای شهوات و فرو رفتن در امواج تجمل پرستی و تن‌پروری می‌باشد. هنگامی که ملت‌های جهان در چنین مسیرهایی گام بگذارند و از قوانین مسلم آفرینش منحرف گردند، سرمایه‌های هستی خود را یکی پس از دیگری از دست خواهند داد و سرانجام سقوط می‌کنند. بررسی فنای تمدن‌هایی همچون تمدن بابل، فراعنه مصر، قوم سبا، کلدانیان، آشوریان، مسلمانان اندلس و امثال آن‌ها، این حقیقت را نشان می‌دهد که در لحظه فرا رسیدن فرمان نابودی که بر اثر اوج گرفتن فساد صادر شده بود، حتی ساعتی نتوانستند پایه‌های لرزان حکومت‌های خویش را نگاه دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۵۷/۶-۱۵۸).

این قانون کلی جاری در جوامع و امت‌ها، مرتبط با قوانین دیگری نیز هست که از آن‌ها به سنت‌ها تعبیر می‌شود. سنت که جمع آن سنن می‌باشد، در لغت به معنای طریقه و راه آمده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۲۹) و در اصطلاح عبارت است از طریقه، سیره، راه و روشی که آفریدگار جهان برای تدبیر امور جهان و انسان مقرر نموده است (کرمی فریدنی، ۱۳۸۳: ۱۵۹).

بعضی از متفکران معتقدند که تاریخ، موجودی حقیقی، زنده و متحرک است که جسمی دارد و روحی، اراده‌ای و خواستی و عزمی، آهنگی و حرکتی، مسیری و مقصدی، هدفی، قانونی و نظامی. این تفکر که بعدها با اصطلاح فلسفه تاریخ مطرح شد، پیشینه‌ای دیرین دارد. آگوستین قدیس^۱ (۳۵۴-۴۳۰ م.) را از پدیدآورندگان اولیه این تفکر می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱۷۱). از دیدگاه اسلام نیز حرکت تاریخ، حرکتی خردمندانه و بر اساس ضوابط و قوانین است؛ به طوری که مقررات و سنت‌هایی جاودانه، تخلف‌ناپذیر و جهان‌شمول بر روند جوامع حکومت می‌کنند. قرآن نیز در آیات فراوانی، این حقیقت را با قالب‌ها و صورت‌های گوناگون مطرح نموده است. همچنین سنت‌های حاکم بر جوامع، فراتر از اراده و حرکت تاریخ‌ساز و تحول‌آفرین انسان نیستند و با اراده آفریدگار توانای هستی، از زیر دست انسان می‌گذرند و این انسان است که در همه موارد، حق انتخاب آگاهانه و آزادانه راه زندگی را دارد و

1. Saint Augustinus.

می‌تواند به کمک دیگر انسان‌ها و با استفاده از امکاناتی که در اختیار دارد، محیط و جامعه و تاریخ و سرنوشت فردی، خانوادگی و اجتماعی خود را بسازد و هرگز مغلوب و مقهور جبر محیط نیست؛ از این رو هیچ تعارض و تضادی بین «سنن» و «اراده و آزادی و اختیار» انسان‌ها نباید تصور کرد (کرمی فریدنی، ۱۳۸۳: ۱۱۱، ۲۳۴ و ۲۷۴).

۲. فواید و آثار توجه به سنت‌های الهی

شناخت قوانین حاکم بر زندگی اجتماعی و سنت‌های تاریخی دارای آثار و فواید مهمی می‌باشد؛ به گونه‌ای که بدون تلاش در راه شناسایی سنت‌ها و شناخت اصول حاکم بر تاریخ و اقوام و جوامع گذشته، پیمودن راه سعادت و خوشبختی برای ما دشوار می‌باشد. همچنان که مطالعه سنت‌های الهی و بهره گرفتن و عبرت گرفتن از این قوانین «لایتغیر الهی»، ضمن کسب تجربه از راه‌های پیموده شده، در پیش‌بینی و آینده‌نگری و برنامه‌ریزی برای آینده تأثیر فراوانی دارد. وانگهی شناخت این سنت‌ها در میانه بحران‌ها و ناکامی‌ها با ایجاد امید به آینده، از ناامیدی و افسردگی جلوگیری می‌نماید.

در بیان ویژگی‌های سنن تاریخی در قرآن، شهید صدر سه ویژگی مهم برای سنت‌های تاریخی بیان نموده است: ۱- عمومیت داشتن و عدم تغییر آن‌ها؛ ۲- خدایی بودن آن‌ها و استناد سنت‌ها به خداوند؛ ۳- عدم تعارض و ضدیت سنت‌های تاریخی با اراده و آزادی انسان (صدر، ۱۳۸۸: ۱۶۰-۱۶۷).

سنت‌های تاریخی در حوزه‌ها و ابعاد مختلفی در جوامع جریان دارند که از یک حیث، محور همه آن‌ها به این قانون و سنت الهی باز می‌گردد که سرنوشت هر قومی به دست خودش تعیین می‌شود و او عهده‌دار نتایج اعمال خود است: ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد/ ۱۱).

این معنا از این آیه شریفه استفاده می‌شود که خداوند با وجود اینکه توسط معقب‌هایی که گروهی از فرشتگان هستند (طوسی، ۱۴۳۱: ۲۰۶/۶)، از انسان‌ها به طور شبانه‌روزی و در همه احوال نگرهبانی و محافظت می‌کند، اما با این حال، سنت خدا بر این جریان یافته که وضع هیچ قومی را دگرگون نسازد، مگر آنکه خودشان حالات روحی خود را

دگرگون سازند؛ مثلاً اگر شکرگزار بودند، به کفران مبدل نمایند، یا اگر مطیع بودند، عصیان بورزند، و یا اگر ایمان داشتند، به شرک بگرایند، که در این هنگام خداوند هم نعمت را به نعمت، هدایت را به اضلال، و سعادت را به شقاوت مبدل می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۱۰/۱۱).

۳. عوامل افول جوامع در قرآن

در آیات قرآن، عواملی برای افول قدرت‌ها و اضمحلال امت‌ها در قالب نزول عذاب یکپارچه الهی ذکر شده است. از آنجا که قرآن کتابی است که اگر از گذشته سخن به میان می‌آورد، آن را چراغی برای راه آینده امت‌ها قرار می‌دهد و صرفاً به بیان قصه و سرنوشت امت‌ها نمی‌پردازد، این عوامل در هر جامعه و نظامی که واقع شود، آن جامعه را به انحطاط و نابودی می‌کشاند. دانشمندان عوامل مختلفی را برای این نابودی ذکر کرده‌اند. استاد جوادی آملی عوامل انحطاط جامعه از نگاه قرآن را در این چند مورد آورده است: ۱- اختلاف و تفرقه؛ ۲- ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر؛ ۳- جهل؛ ۴- اسراف و تبذیر؛ ۵- رفاه‌طلبی و زیاده‌خواهی؛ ۶- تقلید کورکورانه؛ ۷- کفر و انکار حقیقت؛ ۸- فقر و محرومیت؛ ۹- گناه و ترک اوامر الهی (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۷۸-۴۰۰).

شهید مطهری نیز معتقد است که در قرآن مجموعاً به چهار عامل مؤثر در اعتلاها و انحطاط‌ها برمی‌خوریم: الف. عدالت و بی‌عدالتی؛ ب. اتحاد و تفرق؛ ج. اجرا یا ترک امر به معروف و نهی از منکر؛ د. فسق و فجور و فساد اخلاق (مطهری، ۱۳۸۰: ۲۳۵-۲۳۷). در اینجا به برخی از این عوامل با ذکر نمونه‌ای از تحقق آن در جوامع سابق می‌پردازیم.

الف) فساد اقتصادی

اقتصاد از جمله پایه‌های اصلی و بنیادین جامعه و از ستون‌های برپادارنده خیمه هر جامعه می‌باشد؛ به طوری که اگر این رکن مهم فرو ریزد، تمامی رکن‌های جامعه یکی پس از دیگری فرو می‌ریزند. از این رو، خداوند روی سالم ماندن این رکن اصیل تأکید می‌ورزد و به پیامبر بزرگ خود حضرت شعیب ع‌ی‌س‌ا مأموریت می‌دهد که در اصلاح و پاکسازی اقتصاد جامعه مدین تلاش ورزد تا جامعه از هم فرو نیاشد. آن حضرت نیز با

این مأموریت به سراغ مردم خود می‌رود:

﴿وَالِي مَدِينٍ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ ۝ وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ﴾ (هود/ ۸۴-۹۴)؛ ... و ستمکاران را صیحه عذاب فرا گرفت و تا بامداد در خانه‌هایشان هلاک شدند.

می‌توان گفت که اصول سه‌گانه دعوت حضرت شعیب علیه السلام بعد از دعوت به توحید، مسئله حفظ حقوق معاملات مالی و اقتصادی، حفظ مصالح نظام امت و حفظ حق آزادی در هدایت‌طلبی بود (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۸۸/۸) که با نپذیرفتن آن‌ها و حرکت در جهت خلاف این اصول، جامعه به سقوط و تباهی کشیده شد.

ب) فساد جنسی

خداوند انسان را با نیازهای گوناگون آفریده و برای برآورده شدن هر یک از آن نیازها، راه‌هایی را قرار داده است که اگر به درستی از آن راه‌ها نیازهای خود را برآورده سازد و میل‌ها و خواسته‌های خود را تأمین نماید، راه درست را برگزیده و به سلامت به سرمنزل خود خواهد رسید؛ وگرنه به کژراهه خواهد افتاد و در بیراهه‌ها و باتلاق‌ها گرفتار خواهد آمد.

خداوند میل به بقای نسل انسان و تشکیل جامعه و شکوفایی زندگی و رهایی از تنهایی و سرگردانی و انزوا را در وجود انسان قرار داده و راه دسترسی به این اهداف را ارضای نیازهای جنسی و عاطفی از راه ازدواج و تشکیل خانواده قرار داده است. اما در طول تاریخ، افراد و جوامعی با کژروی برای تأمین نیازهای جنسی خود به بیراهه‌ها رفته و نظام اجتماعی را دچار فاجعه، آسفتگی و نابودی کرده‌اند. قرآن به یکی از آن فجایع بزرگ انسانی برای عبرت انسان‌ها اشاره می‌کند که قوم لوط علی‌رغم هشدارهای پی‌درپی فرستاده خدا، دچار آن شده بودند:

﴿إِنِّي لَأَتَّبِعُ لَكُمْ لَمَّاتُورَ الرِّجَالِ وَتَقَطُّعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّتُمْ بَعْدَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ (عنکبوت/ ۲۹)؛ آیا شما به سراغ مردان می‌روید و راه [تداوم نسل انسان] را قطع می‌کنید و در مجلس‌تان اعمال ناپسند انجام می‌دهید؟! اما پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: اگر راست می‌گویی، عذاب الهی را برای ما بیاور!

آنها با برهم زدن نظام طبیعی و غریزی طبیعت و فاصله گرفتن از زن‌ها و رجوع به مرد‌ها، باعث از بین رفتن نسل و کانون خانواده می‌شدند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۴۰/۸)؛ امری که در نهایت، سرنوشتی جز هلاکت و نابودی نظام طبیعت نداشت. به همین سبب دچار عذاب الهی و نابودی شدند.

ج) استکبار، برتری طلبی، سلطه‌جویی و طغیان

جامعه مستکبر و برتری طلب، همچون فرد مستکبر، حق را از باطل تشخیص نمی‌دهد و همانند برخی - که پس از به دست آوردن پیروزی و نزول نعمت الهی و الطاف بی‌کران او به جای سپاسگزاری و ذکر خدا، دچار مستی می‌گردند و غرور گریبان‌شان را می‌گیرند، همه این برکات را از عملکرد خود می‌داند. قرآن از چند قوم که به هلاکت رسیده‌اند، با عنوان «مستکبر» یاد می‌کند و آنها را در زمره هدایت نیافتگان معرفی می‌کند؛ برای نمونه، قوم عاد:

«فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً... ۝ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ مَّحْسُورَاتٍ لِيُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ» (فصلت / ۱۶-۱۵)؛ اما قوم عاد در روی زمین به ناحق تکبر و سرکشی کردند و با غرور گفتند که از ما نیرومندتر در جهان کیست؟ ... * ما هم برای هلاکت آنها تندبادی شدید و هول‌انگیز در روزهای نحس و شوم بر آنها فرستادیم تا عذاب خوارکننده را در دنیایشان به آنها بچشانیم و عذاب آخرت بی‌تردید از آن هم خفت‌بارتر و خوارکننده‌تر است و بی‌شک از هیچ کجا یاری نمی‌شوند.

قرآن همچنین از نمونه‌های دیگر، فرعون را نام می‌برد که با طغیان و سرکشی و برتری طلبی و استکبار، موجبات هلاکت خود و قوم خود را فراهم نمود:

«... وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ» (یونس / ۸۳)؛ به درستی که فرعون برتری‌جویی کرد در زمین و او از گزافکاران بود.

سرنوشت قوم فرعون نشان می‌دهد که همراهی مردم - با هر دلیل و انگیزه‌ای - با طاغوت‌های فاسد، موجب هلاکت و نابودی مردم نیز خواهد شد.

د) فزونی و گسترده‌گی ظلم و ستم در جامعه (ظلم سیستماتیک)

ظلم در اصطلاح لغت و استعمالات قرآنی، قرار دادن یک چیز در غیر موضع خاص خود می‌باشد و این مسئله هر گونه انحراف از موازین حق و تجاوز از حدود و قوانین حاکم بر طبیعت را شامل می‌شود. ظلم در آیات قرآن در سه محور ظلم به خود، ظلم به دیگران و ظلم به خدا مطرح شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۳۷)؛ اما به طور کلی برای نابودی یک جامعه، فراگیری هر یک از انواع ظلم کافی است. این سنت الهی را تجربیات بی‌شمار تاریخی و متون و منابع دینی تأیید می‌کند و در آیات قرآن به موارد زیادی از جریان یافتن این سنت تصریح شده است:

﴿وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ﴾ (انبیاء / ۱۱)؛ و چه بسیار مردم مقتدری در شهرها و دیارها بودند که ما به جرم ستمکاری، آن‌ها را نابود ساختیم و قومی دیگر به جای آن‌ها آفریدیم.

به تعبیر یکی از مفسران، جوامع منحرف -مانند جوان سالم و به ظاهر شاداب که دچار مرگ ناگهانی می‌شود و روح از بدنش مفارقت می‌نماید- با انحراف از اهداف و مسیر طبیعی و اصلی خود به ناگاه دچار غضب و خشم الهی می‌گردند (مدرسی، ۱۴۱۹: ۸۶/۸). البته قطعاً دلایل این زوال و نابودی در یک فرایند تدریجی طی شده است؛ ولی گاهی نابودی به یکباره و خیلی زود اتفاق می‌افتد. آیات دیگری نیز به این مسئله اشاره نموده‌اند (ر.ک: هود / ۱۰۲؛ حج / ۴۵ و ۴۸).

بنابراین اگر در جامعه‌ای، صاحبان قدرت و امکانات به ظلم و ستم پردازند و به جای تأمین آرامش روانی و امنیت اجتماعی و آزادی، به تحمیل استبداد و اختناق روی آورند و از طرفی نیز ظلم در جامعه نهادینه و سیستماتیک شود، بی‌تردید چنین جامعه و نظامی، محکوم به فنا و زوال خواهد بود.

ه) کفران نعمت

از دیگر عوامل نابودی جوامع، کفران نعمت‌های الهی است. قوم بنی‌اسرائیل از نمونه‌های بارز این کفران نعمت‌اند که بارها در قرآن به آنان اشاره شده است. در آیات قرآن از اعطای نعمت‌هایی به بنی‌اسرائیل و سپس فرمان الهی به انجام وظیفه‌ای یاد شده

است، اما این قوم لجوج و ناسپاس از انجام فرامین الهی سر باز زدند و خداوند متعال نیز کفران نعمت‌هایش را با نزول نعمت و عذاب بر آنان پاسخ داده است (ر.ک: بقره / ۵۰-۶۱). در آیات قرآن همچنین به قومی اشاره شده است که ابتدا در انواع و اقسام نعمت‌ها غرق بودند؛ ولی با ناسپاسی و کفران نعمت به چنان سرنوشتی دچار شدند که به تعبیر قرآن، لباس جوع و خوف به آنان پوشانده شد (ر.ک: نحل / ۱۱۲). این تعبیر اشاره به آن است که اولاً آن‌چنان قحطی و ناامنی آن‌ها را فرا گرفت که گویی همچون لباس از هر سو آنان را احاطه نموده بود و بدنشان را لمس می‌کرد، و از سوی دیگر این قحطی و ناامنی آن‌چنان برای آن‌ها ملموس شد که گویی با زبان خود آن را می‌چشیدند، و این دلیل بر نهایت فقر و فلاکت و فقدان امنیت است که سراسر وجود و زندگی انسان را پر می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۳۴/۱۱). این نمونه‌ها به خوبی نشان می‌دهد که ناسپاسی چگونه یک جامعه پیشرفته و مرفه و دارای امکانات را به جامعه‌ای بیچاره و گرفتار قحطی و ذلت تبدیل می‌نماید.

از آیات قرآن به دست می‌آید که این عوامل که بخشی از علل سقوط و انحطاط جوامع هستند، در هر جامعه‌ای به وقوع پیوندند، زمینه‌ها و موجبات فروپاشی و اضمحلال را فراهم خواهند آورد. به نظر می‌رسد شناخت دقیق واقعیت‌های جامعه آمریکا و نقاط ضعف و قدرت هژمونی آمریکا در ابعاد و زوایای مختلف آن و انطباق دقیق سنت‌های تاریخی قرآن در عوامل سقوط قدرت‌ها توسط مقام معظم رهبری، دلیل پیش‌بینی‌های ایشان از سقوط هژمونی آمریکا می‌باشد.

۴. تعریف ابرقدرت و هژمونی

قدرت اساساً یک پدیده اجتماعی بوده و اصولاً یک سازه اجتماعی و رابطه‌ای است که در نتیجه تعاملات اجتماعی تولید و عملیاتی می‌شود و برای اینکه ماهیت ملموسی به خود گیرد، نیازمند کوشش و فعالیت آگاهانه انسان‌هاست (اسمیت، ۱۳۹۴: ۳۶). هژمونی نیز به وضعیتی اشاره دارد که در آن، ائتلافی موقت از برخی گروه‌های اجتماعی می‌تواند به اقتدار اجتماعی تام آن‌ها بر سایر گروه‌های فرودست منجر شود. اعمال این اقتدار صرفاً از طریق کاربرد زور یا تحمیل مستقیم افکار حاکم نیست؛ بلکه از راه تأمین

رضایت و شکل دادن به آن است، تا آنکه قدرت طبقات مسلط، هم مشروع و هم طبیعی جلوه کند. هژمونی را تنها تا زمانی می‌توان حفظ کرد که طبقات مسلط، در شکل دادن به همه تعاریف رقیب در چارچوب مورد نظر خودشان موفق باشند؛ یعنی باید همواره سعی در دائمی و طبیعی جلوه دادن آن داشته باشند (رائی تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۰۵). بنابراین می‌توان گفت ابرقدرت در اصطلاح سیاسی و رسانه‌ای به کشوری گفته می‌شود که به لحاظ توانایی‌ها و قدرت مادی بتواند معادلات و چالش‌های نظامی و سیاسی در جهان را به سود خود تغییر داده و پیش ببرد. اما ابرقدرت هژمون، به ابرقدرتی گفته می‌شود که علاوه بر توانایی‌های مادی و نظامی، بتواند ارزش‌هایی را که خود - حداقل در ظاهر- بدان معتقد است، به دیگران همراه با رضایت آنان تحمیل و تئوریزه نماید.

البته در تعریفی دیگر، کیندلبرگر^۱ اقتصاددان آمریکایی (۱۹۱۰-۲۰۰۳ م.) معتقد به قدرت دارای هژمونی مبتنی بر ایده یک کشور پیشتاز واحد بود که درک روشنی از اهمیت نگهداری نظام اقتصاد بین‌المللی به عنوان یک مجموعه واحد داشته باشد. بر اساس این تعریف، چنین کشورهایی مجبورند بزرگ‌ترین مسئولیت‌ها و تعهدات را پذیرفته و از آن حفاظت کنند (اسمیت، ۱۳۹۴: ۸۴ و ۸۷). در نگاه وی، هژمونی بیشتر ناظر بر بعد اقتصادی بوده و دارای بار مثبت می‌باشد.

مفهوم هژمونی^۲ از اندیشه‌های آنتونیو گرامشی^۳ (۱۸۹۱-۱۹۳۷ م.) فیلسوف ایتالیایی اقتباس یافته و هرچند در وهله اول، معطوف به سیاست داخلی و اعمال قدرت توأم با رضایت است، اما از این اصطلاح در روابط بین‌الملل نیز به صورت معمول استفاده می‌شود. در اندیشه گرامشی، هژمونی یا غلبه و چیرگی صرفاً بر اساس قدرت برتر یا توانایی‌های مادی تعریف نمی‌شود؛ بلکه هژمونی قدرتی همراه با رضایت و «قدرت قابل توجیه ارزشی» است. از نظر گرامشی، هژمونی یعنی تولید رضایت و اجماع فرهنگی. به عبارت دیگر، هژمونی به معنای نوعی رضایت خودساخته خودانگیخته است. در یک جامعه هژمونیک، میزان بالایی از اجماع و وفاق و ثبات اجتماعی وجود دارد و طبقات تحت

1. Charles P. Kindleberger.

2. Hégémonie.

3. Antonio Francesco Gramsci.

سلطه از آرمان‌ها و ارزش‌هایی حمایت می‌کنند که مورد نظر طبقه مسلط است و آن‌ها را به ساختار قدرت در جامعه پیوند می‌زند (رائی تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۰۴ و ۱۰۶). با این تعریف، آمریکا به اذعان قاطبه صاحب‌نظران در طول دهه‌های گذشته به ویژه در قرن ۲۰ میلادی، دارای هژمونی و ساختار ابرقدرتی حاکم در جهان بوده است.

از این منظر، آمریکایی‌ها خود را ملت برگزیده و استثنا و رهبر منتخب جهان می‌دانند و در پیشبرد تاریخ برای خود سهم قائل‌اند. این نگاه و رویکرد، ریشه در تاریخ آمریکا دارد. فرانکلین^۱ (۱۷۰۶-۱۷۹۰ م.) از بنیان‌گذاران کشور آمریکا، معتقد بود که هدف آمریکا هدف همه بشریت است. آچسون^۲ (۱۸۹۳-۱۹۷۱ م.) وزیر خارجه وقت آمریکا در آغاز جنگ سرد گفت: ایالت متحده لوکوموتیو در جلوی بشریت است و جهانیان صرفاً اتاق کارگران قطار هستند (سلیمانی، ۱۳۹۸: ۸۵). اما در طول سالیان اخیر، جریانی از صاحب‌نظران و کارشناسان بین‌المللی و حتی آمریکایی، مدعی افول هژمونی و زوال تدریجی ابرقدرتی آمریکا شده‌اند. در اینجا ابتدا بیانات رهبری در این مورد و سپس نظرات برخی کارشناسان بین‌المللی ذکر می‌گردد.

۵. بیانات رهبری درباره افول هژمونی آمریکا و تطبیق سنت‌های الهی در این موضوع

رهبر معظم و حکیم انقلاب اسلامی در سال‌های اخیر بارها به افول هژمونی قدرت تمدن غرب به سردمداری آمریکا اشاره نموده است که بخش‌هایی از آن در اینجا به عنوان نمونه ذکر می‌گردد. ابتدا به مفهوم و مصداق استکبار در عصر جدید در بیان رهبری می‌پردازیم. معظم‌له در سخنان خود، مفهوم استکبار را این گونه تبیین می‌کند:

«استکبار، یعنی حالت فرعونیت، یعنی دیکتاتوری در سطح بین‌المللی... استکبار یعنی اینکه قدرت یا قدرت‌هایی در دنیا که وقتی به خودشان نگاه می‌کنند، می‌بینند دارای امکانات پولی و تسلیحاتی و تبلیغاتی هستند، بنابراین به خودشان حق می‌دهند که در امور زندگی کشورها و ملت‌های دیگر، دخالت‌های مالکانه بکنند» (بیانات در دیدار

1. Benjamin Franklin.
2. Dean Gooderham Acheson.

دانش‌آموزان و دانشجویان و خانواده‌های شهدا (با اندکی تصرف)، ۱۳۸۸/۰۸/۱۲).

«اگر بخواهیم استکبار را درست ترجمه کنیم، امروز با دولت متجاوز و مستکبر و یاغی و گردنکش آمریکا تطبیق می‌کند. امروز عمده مستکبرین عالم آن‌ها هستند» (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی، ۱۳۷۵/۰۱/۰۴).

در بیان رهبری:

بسیاری از سیاسیون معتبر دنیا و جامعه‌شناس‌های معتبر دنیا معتقدند که «قدرت نرم» آمریکا فرسوده شده است، در حال از بین رفتن است. قدرت نرم چیست؟ قدرت نرم این است که یک دولتی بتواند خواسته خود و نظر خود و عقیده خود را به اطراف بقبولاند و آن‌ها را اقناع کند به نظر خود. این قدرت در آمریکا امروز رو به ضعف کامل و رو به فرسودگی کامل است؛ در زمینه‌های مختلف... قدرت نرم آمریکا رو به افول است، رو به سقوط است. این را من نمی‌گویم؛ این جزو حرف‌هایی است که جامعه‌شناس‌های مطرح دنیا امروز دارند این حرف را می‌زنند. نه فقط اقتدار معنوی و قدرت نرم خود آمریکا رو به افول است، بلکه حتی لیبرال دموکراسی را هم که پایه اساسی تمدن غرب است، این‌ها بی‌آبرو کردند، دارند بی‌آبرو می‌کنند... لیبرال دموکراسی‌ای که امروز در غرب رایج است، خود آن‌ها را بیچاره کرده؛ شکاف‌های اجتماعی، نبود عدالت اجتماعی، نابود شدن خانواده، فساد اخلاقی فراگیر و همه‌گیر، فردگرایی‌های افراطی و شدید؛ خود آن‌ها بیچاره شده‌اند... قدرت سخت آمریکا هم به شدت ضربه دیده. قدرت سخت یعنی قدرت نظامی‌گری، قدرت اقتصاد؛ این‌ها قدرت سخت است. بله، ابزار نظامی دارند، اما نیروی انسانی نظامی آمریکا به شدت افسرده، سردرگم، سرگشته، مردد [است]... اقتصادشان هم همین جور. آمریکا امروز پانزده تریلیون دلار بدهکار است؛ رقم، رقمی افسانه‌ای است؛ پانزده تریلیون دلار بدهکاری آمریکا است! قریب به هشتصد میلیارد دلار کسر بودجه آمریکا است در همین سال جاری؛ یعنی این‌ها در واقع عقب‌ماندگی‌های اقتصادی است. حالا با زرق و برق، با شعار، با حرف‌های گوناگون، با ظاهرسازی‌ها روی این‌ها را می‌پوشانند؛ اما واقعیت‌های آمریکا این است؛ این قدرت سخت آمریکا است. بنابراین آمریکا رو به افول است... آمریکا در منطقه خودش هم رو به افول است، چه برسد در اینجا» (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲).

«به وضوح امروز آمریکا در این منطقه، ضعیف‌تر از ده سال پیش و بیست سال پیش است. به وضوح رژیم صهیونیستی خبیث، امروز ضعیف‌تر از گذشته است. چند سال

قبل از این، رژیم صهیونیستی در مقابل حزب الله لبنان شکست خورد؛ ۳۳ روز توانست مقاومت بکند و بعد شکست خورد. دو سال بعد از آن در مقابل فلسطینی‌ها ۲۲ روز توانست مقاومت کند و شکست خورد. چند سال بعد در مقابل مردم مظلوم غزه ۸ روز توانست مقاومت بکند و شکست خورد. در همین هفته اخیر ۲ روز توانست مقاومت بکند و شکست خورد. این ضعف رژیم صهیونیستی است، ضعف روزافزون رژیم صهیونیستی است. ملت‌هایی که فکری دارند، هویتی دارند، انگیزه‌ای دارند، متکی به خدا هستند، متوکل علی الله هستند، می‌ایستند و خدای متعال به آن‌ها کمک خواهد کرد: ﴿وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وِیْلًا وَلَا نَصِيرًا ۝ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا رُكُوعًا لَسُبْحَانَ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ [فتح/۲۲-۲۳]. این سنت الهی است؛ اگر مسلمان‌ها بایستند، بر همه ساز و برگ قدرت‌های طاغوتی و مستکبر پیروز خواهند شد. امروز مردم یمن سخت‌ترین شکنجه‌ها را دارند از ناحیه دولت سعودی و همراهانش و آمریکا-پشتیانش- تحمل می‌کنند؛ لکن بدانید قطعاً ملت یمن و انصارالله پیروز خواهند شد. آن‌ها شکست نمی‌خورند. ملت فلسطین شکست نمی‌خورند. تنها راه، مقاومت است و آن چیزی که امروز آمریکا را و متحدینش را دستپاچه کرده که به حرف‌های یاهو متوسل می‌شوند، به کارهای غلط متوسل می‌شوند، ایستادگی ملت‌های مسلمان است و این ایستادگی نتیجه خواهد داد» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۷/۰۹/۰۴).

۶. نشانه‌ها و شواهد افول هژمونی آمریکا در بیان کارشناسان

مسئله افول جایگاه و هژمونی ایالات متحده به قدری در میان کارشناسان و صاحب‌نظران مشهور و پذیرفته شده است که چند صد کتاب پیرامون آن به نگارش درآمده است. در اینجا از میان صدها کتاب و مقاله و همایشی که درباره افول هژمونی آمریکا نوشته و برگزار شده است، به چند نمونه درباره جایگاه قدرت و هژمونی کنونی ایالات متحده آمریکا می‌پردازیم.

«چامسکی نظریه پرداز و فیلسوف آمریکایی، مقاله‌های متعددی درباره افول آمریکا به رشته تحریر درآورده است. او همانند برخی از تحلیلگران دیگر همچون "فرید زکریا" معتقد است که افول آمریکا مسئله‌ای است که به دست خود آمریکا رقم خورده است. چامسکی استدلال می‌کند: "در ایالات متحده بیش از ۸۰ درصد مردم، نظام اقتصادی

خود را "ذاتاً ناعادلانه" و نظام سیاسی را فریبکار و در خدمت "منافعی خاص" و نه منافع مردم می‌داند و اکثریتی چشمگیر معتقدند صدای کارگران در امور جاری جامعه شنیده نمی‌شود. "... آمریکا سالانه مبالغ هنگفتی را به بخش نظامی اختصاص می‌دهد تا بتواند به اهداف مداخله‌جویانه خود در دیگر کشورهای جهان دست یابد... با این حال، شکست سنگین این کشور در افغانستان و عراق موجب شده است تا بسیاری از مردم آمریکا، اقدام دولت‌های این کشور را در صرف شش هزار میلیارد دلار در این درگیری‌ها محکوم نمایند. با وجود این مشکلات، اکنون نه تنها قدرت مادی آمریکا یعنی قدرت اقتصادی و نظامی، بلکه ارزش‌ها و آرمان‌های آمریکایی نیز تضعیف شده است و کشوری که خود را مروج اصلی ایدئولوژی لیبرالیسم می‌خواند، ارزش‌های لیبرالیسم را در معرض خطر قرار داده است» (خبرگزاری دانا، ۱۳۹۹).

این افول از حیث فرهنگی و اجتماعی نیز قابل توجه است. آمریکا رتبه اول در میزان جرم و جنایت و مرگ و میر در اثر جرایم مسلحانه و بیشترین میزان خودکشی در دنیا را از آن خود کرده و افول معنویت به حدی است که همواره کم‌ارزش‌ترین مسائل اجتماعی، جزو مسائل کلان کشوری محسوب می‌شوند. بر اساس یک مطالعه میدانی در مدارس کالیفرنیا در سال ۱۹۸۶، هفت مورد از مهم‌ترین مسائل اجتماعی شامل این موارد بوده است: مواد مخدر، مشروبات الکلی، حاملگی دختران، خودکشی، تجاوز، دزدی و خشونت. نیوت گنگریج، رئیس اسبق مجلس نمایندگان آمریکا، با اعتراف تلویحی به شرم‌آور بودن ادعای رهبری کشورش بر جهان و با ابراز تأسف از شرایط بحرانی جامعه آمریکا می‌گوید: ایالات متحده باید جهان را رهبری کند... اما با کشوری که در آن دوازده ساله‌ها باردار می‌شوند، پانزده ساله‌ها همدیگر را می‌کشند، هفده ساله‌ها به ایدز مبتلا می‌شوند و هجده ساله‌ها دیپلم می‌گیرند بدون اینکه بتوانند بخوانند و بنویسند، هیچ کس را نمی‌شود رهبری کرد! (شیخ‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۷۱-۱۷۳).

«در همایش بین‌المللی "افول آمریکا؛ روند گذشته و تحولات آینده" با عنوان "بازیگران مؤثر بر افول ایالات متحده" به میزبانی مؤسسه اوراسیا در ایتالیا، پروفیسور "کلودیو موتی" با اشاره به تضعیف قدرت اقتصادی آمریکا گفت: "این تضعیف، چه به لحاظ شکاف ثروت میان طبقات در جامعه آمریکا و چه به لحاظ قدرت خرید مردم

در آمریکا، نشانه‌ای آشکار از افول ایالات متحده است. علاوه بر این، سهم آمریکا از اقتصاد جهانی از زمان جنگ جهانی دوم که بالغ بر ۵۰ درصد اقتصاد جهان متعلق به آمریکا بود، این سهم به تدریج کاهش یافت؛ طوری که این سهم در سال ۱۹۸۰ به ۲۲ درصد تنزل یافت. این سهم اکنون حدود ۱۶ درصد است و طبق پیش‌بینی‌ها، سهم آمریکا از اقتصاد جهانی تا سال ۲۰۴۰ میلادی به ۱۱ درصد و سهم چین حدود ۳۰ درصد خواهد بود» (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۹). در مورد رقم واقعی بدهی ایالات متحده، آمارهای متفاوتی بیان شده است؛ اما آنچه قطعی به نظر می‌رسد این است که این کشور، بزرگ‌ترین بدهکار بین‌المللی تاریخ جهان است، به گونه‌ای که در آمریکا همه به نوعی بدهکارند! (بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب‌شناسی، ۱۳۹۷: ۱۹).

برژینسکی^۱ (۱۹۲۸-۲۰۱۷ م.) مشاور امنیت ملی اسبق آمریکا، معتقد بود که هرچند آمریکا در حال حاضر، داعیه پرستیژ جهانی دارد و کمتر کشوری می‌تواند داعیه رقابت با او را داشته باشد، اما استمرار قدرت و موقعیت آمریکا در صحنه جهانی و داخلی از چند جهت آسیب‌پذیر است: ۱- بدهی‌های مالی؛ ۲- کسری موازنه تجاری؛ ۳- کاهش سطح پس‌انداز و سرمایه‌گذاری؛ ۴- کیفیت نظام آموزشی؛ ۵- زوال شالوده‌های اجتماعی؛ ۶- ریشه دواندن مشکل فقر و تبعیض نژادی؛ ۷- رشد یأس و ناامیدی بین مردم؛ ۸- گسترش فرایند احساس پوچی معنوی بین مردم و جامعه؛ ۹- بروز روحیه بی‌تفاوتی در مردم؛ ۱۰- بی‌بندوباری جنسی. وی این موارد را تا ۲۰ مورد برشمرده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۷: ۳۱۴).

رئیس‌جمهور سابق این کشور نیز در توصیف وضعیت کشور خود با بیان نمونه‌هایی مانند فرودگاه‌ها، پل‌ها، کانال‌های آب، شبکه‌های برق و سیستم ریلی، زیرساخت‌های کشور آمریکا را در حال فروپاشی می‌داند (ترامپ، ۱۳۹۷: ۱۳۹). آلفرد مک‌کوی^۲ (۱۹۴۵ م.) تاریخ‌نگار آمریکایی در کتاب خود می‌نویسد: داده‌های مربوط به اقتصاد، آموزش و فناوری نشان می‌دهد که روندهای منفی تا پیش از ۲۰۳۰، تبدیل به توده‌ای بحرانی شوند. این احتمال وجود دارد که قرن آمریکایی با تمام سروصدایی که در آغاز جنگ

1. zbignjef br̄'zmski.

2. Alfred W. McCoy.

جهانی دوم به راه انداخت، هم‌اکنون نیز اضمحلال خود را آغاز کرده باشد و تا سال ۲۰۲۵ زوال آن تمام، و تا سال ۲۰۳۰ اثری جز یک خاطره قابل اشاره از آن باقی نماند. در سال ۲۰۰۸، شورای ملی اطلاعات (مهم‌ترین نهاد تحلیلی واشنگتن) برای اولین بار اذعان کرد که قدرت آمریکا در سرایشی سقوط قرار گرفته است. این شورا در گزارش خود به نام روندهای جهانی ۲۰۲۵ گفته بود: انتقال ثروت جهانی و قدرت اقتصادی اکنون حتی در زمینه نظامی نیز از شرق به غرب به گونه‌ای بی‌سابقه -در تاریخ معاصر- آغاز شده است (مک‌کوی، ۱۴۰۰: ۴۰۰).

وی با ذکر تاریخچه سقوط برخی از امپراتوری‌های گذشته، از متلاشی شدن امپراطوری پرتغال ظرف یک سال، شوروی دو سال، فرانسه هشت سال، عثمانی یازده سال و بریتانیای کبیر در هفده سال نام برده و معتقد است سقوط ایالات متحده از جایگاه قدرت برتر جهانی می‌تواند بسیار سریع‌تر از چیزی باشد که به ذهن کسی خطور می‌کند. این استاد دانشگاه ویسکانسین، فروپاشی امپراتوری آمریکا را از طریق افول اقتصادی یا جنگ سایبری محتمل دانسته است (همان: ۳۹۸-۳۹۹).

یکی از دیپلمات‌های سابق آمریکا در کتاب خود درباره جایگاه رفاهی و مالی کشورش می‌نویسد: از لحاظ کیفیت زندگی، برخی کشورهای اروپایی و سنگاپور از ایالات متحده پیش افتاده‌اند و استیلای اغراق‌شده آمریکا در مدیریت جهانی و خدمات مالی در کنار مارک‌های تجاری آمریکایی در حال نابودی است. به زودی دانش‌آموختگان رشته مدیریت بازرگانی هند و چین ترجیح خواهند داد تا بخش بزرگی از ثروت جهان را که پیشتر به نخبگان مدیریت مشترک مستقر در آمریکا واگذار می‌شد، در کشورهای خود نگه دارند (کیسلینگ، ۱۳۹۲: ۴۱۷ و ۴۱۹).

پروفسور رابرت بورک^۱ (۱۹۲۷-۲۰۱۲ م.) استاد برجسته دانشگاه بیل، قاضی برجسته دیوان عالی کشور و از شخصیت‌های مطرح فرهنگی آمریکا در کتاب خود ضمن تشریح وضعیت و پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه کنونی ایالات متحده آمریکا و بررسی نقاط ضعف اخلاقی که موجب سقوط اخلاق در فرهنگ آمریکا شده است،

1. Robert Bork.

می‌نویسد: دورانی که ما در آن زندگی می‌کنیم در تاریخ آمریکا بی‌نظیر است؛ چرا که آشفته‌گی‌های اجتماعی - ناشی از بالا رفتن درصد جنایات و پایین آمدن درصد مجازات و...- این دوران از تاریخ آمریکا را از دیگر دوران‌ها متمایز می‌سازد (بورک، ۱۳۸۹: ۳۵۱).

ایمانوئل تود^۱ جامعه‌شناس مطرح فرانسوی که به واسطه نگارش کتابی در زمینه پیش‌بینی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۷۶ - سال‌ها پیش از این اتفاق - شهرت فراوانی یافت، در کتاب پرفروش خود به نام *پس از امپراتوری* که به روایت زوال سیستم آمریکایی پرداخته است، ضمن بیان این نکته که آمریکا هنوز هم نمی‌داند که تاریخ موفقیتش، مرهون استثمار و بهره‌برداری یکجانبه از منابعی است که خود در ایجاد آن نقشی نداشته است، معتقد است: بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا در توهم تبدیل شدن به یگانه قدرت هژموتیک جهان و بسط قدرت خود بر سراسر سیاره زمین بود. اما اکنون آمریکا نیز در فرایندی از اضمحلال به سر می‌برد؛ به طوری که حتی اقتدارش بر حوزه نفوذ کشور خود نیز حقیقتاً رو به تحلیل نهاده است. به نظر وی، آمریکا دیگر ابرقدرت نیست و در شرایط فعلی فقط می‌تواند به کشورهای کوچک ظلم کند و تتمه توان خود را در جنگ علیه تروریسم در نبرد برای حفظ هژمونی‌اش که اینک وجود خارجی ندارد، هدر می‌دهد (تود، ۱۳۹۵: ۲۱۸، ۲۳۶، ۲۴۲ و ۲۴۸).

یکی از محققان موضوع زوال هژمونی آمریکا نیز با تحقیق و بررسی این موضوع در چهار مؤلفه (طرح مشارکت در زمینه انرژی و اقلیم در قاره اروپا، پیدایش و سقوط منطقه آزاد تجاری در قاره آمریکا و...)، مدعی کاهش توانایی ایالات متحده در کنترل امور یا تأثیر مثبت بر برآمدها و حتی شکست در اعمال رهبری معنادار آمریکا در این زمینه‌ها شده است (اندرواکیف، ۱۴۰۰: ۳۰۶).

همان‌طور که ذکر شد، مسئله افول و سقوط تدریجی هژمونی و ابرقدرتی آمریکا در ابعاد مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، مسئله‌ای نیست که مورد تردید کارشناسان این حوزه واقع شده باشد. مسئله مهم، تعیین زمان این فروپاشی است که مورد اختلاف نظر واقع شده است. این موارد گرچه در برخی از کشورها نیز کم و بیش

1. Emmanuel Todd.

وجود دارد، اما افول برخی از این مؤلفه‌های قدرت و هژمونی، منحصر به آمریکا بوده و به اذعان کارشناسان و سیاستمداران برجسته، این شرایط بحرانی در هیچ برهه‌ای از تاریخ آمریکا به این صورت سابقه نداشته است.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق که با روشی توصیفی تحلیلی به بررسی تعدادی از آیات مربوط به سنت‌های الهی و عوامل سقوط قدرت‌ها همچون فساد اقتصادی، گسترش فساد جنسی، طغیان و استکبار، ظلم سیستماتیک، و کفران نعمت در قرآن پرداخته شد، به دنبال بررسی مبانی قرآنی نظریه افول هژمونی آمریکا در بیان رهبری بودیم و اینکه رهبر معظم انقلاب بر چه اساسی، نظریه افول ابرقدرتی آمریکا را مطرح نموده است؟ بعد از ذکر نظر قرآن پیرامون وجود قوانین مشترک بین جوامع انسانی در طول تاریخ در قالب سنت‌های الهی در تاریخ، به مسئله افول قدرت‌ها و عوامل آن در قرآن پرداخته شد. با بررسی تعریف هژمونی و ابرقدرت و انطباق آن با آمریکا و ذکر نظرات تعدادی از کارشناسان بین‌المللی، به نشانه‌های افول تمدن و مؤلفه‌های هژمونی آمریکا اشاره شد. رهبر معظم انقلاب در سال‌های مختلفی به بیان این نظریه پرداخته است. اما تفاوت اصلی در نوع نگاهی است که وجود دارد. اگر کارشناسان صرفاً با تکیه بر آمار و ارقام به تحلیل گذشته و پیش‌بینی احتمالی آینده می‌پردازند، رهبر معظم انقلاب به عنوان حکیمی که در محضر قرآن و آموزه‌های حیات‌بخش آن بوده، با استفاده از سنت‌های حتمی قرآن و انطباق آن با جریانات و پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، به این نتیجه رسیده است که با توجه به مشاهدات خارجی و آمارهای جهانی و تطبیق سنت‌های الهی مذکور در قرآن بر این واقعیت‌ها، افول هژمونی آمریکا بخشی از سننی است که درباره امت‌ها و اقوام قدرتمند پیشین اجرا و محقق شده است. در واقع، ایشان نقشه گذشته و قوانین حاکم بر جهان در قالب سنت‌ها را به خوبی فهمیده و با انطباق بر جریانات روز، به پیش‌بینی دقیق نسبت به افول آمریکا پرداخته است. پیشنهاد می‌شود مسئله چگونگی تطبیق جریانات اجتماعی بر سنت‌ها توسط رهبر معظم انقلاب، در تحقیقی دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شعبه حرّانی، ابو محمد حسن بن علی بن حسین، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، چاپ دوم، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ش.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۴. اسمیت، مارتین، قدرت در نظم جهانی در حال تغییر (ایالات متحد، روسیه و چین)، ترجمه گروه مترجمان، با کوشش و مقدمه علی آدمی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۴ ش.
۵. اندرو آکیف، توماس، زوال هژمونی ایالات متحده در نیمکره غربی، ترجمه الهه نوری غلامی‌زاده، تهران، سروش، ۱۴۰۰ ش.
۶. بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب‌شناسی، آمریکا دنیا را به کدام سو می‌برد؟، چاپ پنجم، تهران، سروش، ۱۳۹۷ ش.
۷. بورک، رابرت، در سراسر شیبی به سوی گومورا لیبیرالیسم مدرن و افول آمریکا، ترجمه الهه هاشمی حائری، چاپ پنجم، تهران، حکمت، ۱۳۸۹ ش.
۸. ترامپ، دونالد جی.، آمریکای زمینگیر (چگونه عظمت را به آمریکا بازگردانیم)، ترجمه سمیرا محتشم، بهروز نامداری، علیرضا مکی و منصور براتی، چاپ دوم، تهران، ثالث، ۱۳۹۷ ش.
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه محمد رحمتی شهرضا، قم، صبح پیروزی، ۱۳۹۲ ش.
۱۰. تود، ایمانوئل، پس از امپراتوری (روایت زوال سیستم آمریکایی)، ترجمه بهاء‌الدین بازگانی گیلانی، چاپ دوم، تهران، اطلاعات، ۱۳۹۵ ش.
۱۱. جمعی از نویسندگان، جامعه ایده‌آل اسلامی و مبانی تمدن غرب: نگاهی به نحوه شکل‌گیری، سیر تحولات و وضعیت فعلی تمدن غربی، بی‌جا، دبیرخانه دائمی اجلاس دوسالانه بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی (عج) ﷺ، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، جامعه در قرآن، تنظیم مصطفی خلیلی، چاپ دوم، قم، اسراء، ۱۳۸۸ ش.
۱۳. خبرگزاری دانا، «گزارشی از نشانه‌های افول قدرت آمریکا در جهان: شکسته شدن هژمونی آمریکا در دنیا / بزرگ‌نمایی‌های قدرت آمریکا در تبلیغات رسانه‌ای»، ۱۳/۰۸/۱۳۹۹ ش.، قابل دسترس در وبگاه خبرگزاری دانا به نشانی <<https://dana.ir/1663601>>.
۱۴. خبرگزاری فارس، «بررسی عوامل افول آمریکا در نشستی به میزبانی ایتالیا»، ۱۳۹۹/۷/۶ ش.، قابل دسترس در وبگاه خبرگزاری فارس به نشانی <<https://www.farsnews.ir/news/13990706001067>>.
۱۵. راثی تهرانی، حبیب، «نظریه هژمونی آنتونیو گرامشی»، کتاب ماه (علوم اجتماعی)، شماره ۱۶، تیر ۱۳۸۸ ش.
۱۶. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. سلیمانی، غلامعلی، آدریس را عوضی داده‌اند! غرب و پایان تاریخ، مشهد، به‌نشر، ۱۳۹۸ ش.
۱۸. شیخ‌زاده، حسین، رویارویی نظام سلطه با اسلام و ایران، تهران، نسیم بامداد، ۱۳۹۹ ش.
۱۹. صدر، سیدمحمدباقر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه سیدجمال‌الدین موسوی اصفهانی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸ ش.

۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۲۱. طبرسی، امین‌الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت، امیره، ۱۴۳۱ ق.
۲۳. عباسی، حسن، «سخنرانی در همایش دانشجویی پایان‌هژمونی آمریکا، به مناسبت گرامیداشت ۱۳ آبان»، ۱۳۹۸/۹/۱۲ ش.، قابل دسترس در وبگاه خبرگزاری مشرق به نشانی <<https://www.mashreghnews.ir/news/1006769>>.
۲۴. کرمی فریدنی، علی، *ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن*، قم، نسیم انتظار، ۱۳۸۳ ش.
۲۵. کیسلینگ، جان بردی، *درس‌های دیپلماسی*، ترجمه غدیر نبی‌زاده، تهران، سروش، ۱۳۹۲ ش.
۲۶. محمدی، سیدمحمدحسین، «اصول و ضوابط حاکم بر سیر تمدن‌ها با تأکید بر علل سقوط تمدن‌ها از منظر کلام وحی»، *فصلنامه تاریخ درآینه پژوهش*، سال پنجم، شماره ۴ (پیاپی ۲۰)، زمستان ۱۳۸۷ ش.
۲۷. مدرسی، سیدمحمدتقی، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین علیه السلام، ۱۴۱۹ ق.
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی، *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰ ش.
۲۹. مطهری، مرتضی، *جامعه و تاریخ*، چاپ چهاردهم، تهران، صدرا، ۱۳۸۰ ش.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، چاپ دهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۳۱. مک کوی، آلفرد، *در سایه قرن آمریکایی (ظهور و افول قدرت جهانی آمریکا)*، ترجمه روح‌الله عبدالملکی، تهران، سروش، ۱۴۰۰ ش.

32. <<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2596>>.

33. <<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index-old?tid=3129#71715>>.